

سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن ایران و کاربردهای آن

کاظم ملازاده* ، محمد حسن سالک اکبری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۵

چکیده

سنجاق‌های میله‌ای در میان یافته‌های فلزی محوطه‌های استقرار، مذهبی و قبرستان‌های عصر آهن ایران به فراوانی یافت شده‌اند. با توجه به فراوانی این ساخته‌ها این سؤال مهم مطرح می‌شود که این سنجاق‌ها چه کاربرد یا کاربردهایی داشته‌اند؟. در منابع، این دست‌ساخته‌ها اغلب با عنوان کلی «سنجاق» معرفی شده‌اند و یا این‌که بدون بحث علمی، به کارکردهای مختلفی از جمله سنجاق لباس، سنجاق مو، اشیاء نذری و نمادین، ابزار دفاعی و سنجاق کفن اشاره کرده‌اند. در این پژوهش تلاش گردیده با استفاده از مطالعات باستان‌شناسی، قوم‌باستان‌شناسی و به شیوه توصیفی و تحلیلی، کاربردهای مختلف این دست‌ساخته‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج حاصله سنجاق‌های مورد مطالعه با توجه به شکل و ابعاد و نیز محل کشف و استفاده، دارای کاربردهایی به‌عنوان سنجاق لباس، سنجاق مو، سنجاق تزئینی، دفاعی، نمادین، نذری، جادویی، آیینی و نیز کاربردهای مکمل و چندگانه بودند و یکی از کاربردهایی که قبل از این کمتر به آن اشاره شده و در این مقاله به آن پرداخته شده کاربرد آن به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نیروهای شرور و نیز حیوانات موذی است که به‌نوعی تداوم استفاده از آن را می‌توان در جوامع سنتی و زردشتیان دوره قبل و معاصر مشاهده کرد.

واژه‌های کلیدی: عصر آهن، سنجاق‌های میله‌ای، مارغن، فلزکاری عصر آهن

* دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول). mollazadeh@gmail.com

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان. h.salekakbari@gmail.com

مقدمه

سنجاق‌ها^۱ بخشی از دست‌ساخت‌های فلزی و در مواردی غیرفلزی هستند که از دوره پیش‌ازتاریخ تاکنون بیشتر باهدف اتصال یا کارکرد نگهدارنده، ساخته شده و از نظر شکل، کاربرد و گونه‌شناسی، به گروه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند که از جمله می‌توان به انواع سنجاق‌قفلی، سنجاق میله‌ای و سنجاق‌های تزئینی و آیینی یا نمادین اشاره کرد که به فراوانی در میان یافته‌های عصر آهن ایران و مناطق مجاور (هم در میان هدایای تدفینی و هم در محوطه‌های استقرار) یافت شده‌اند. در میان این سنجاق‌ها، انواع میله‌ای از نظر دوره زمانی و گستره جغرافیایی، از فراوانی بسیار بیشتری برخوردار بوده‌اند و از نظر ابعاد، اشکال و تزئینات تنوع بسیار زیادی را به خود اختصاص می‌دهند. در ایران این سنجاق‌ها حداقل از دوره مفرغ به بعد مورد استفاده بوده‌اند. بااین حال تنوع و گستردگی اصلی آن مربوط به عصر آهن (۱۴۵۰-۵۵۰ ق.م) است. در این عصر و در مناطق مختلف شمال غرب، غرب، فلات مرکزی و شمال ایران^۲، سنجاق‌های میله‌ای ساخته و استفاده می‌شده و یا به‌عنوان هدایای تدفینی در قبور قرار داده می‌شده است.

کاربرد، تکنیک ساخت و سبک‌های هنری این اشیاء توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است، بااین حال پژوهش‌های درخوری در ارتباط با این یافته‌ها انجام نگرفته است. مبهم‌ترین جنبه وجودی این اشیاء کاربرد یا کاربردهای آنهاست. با توجه به تنوع ابعاد، اشکال، محل کشف و گستره تاریخی و جغرافیایی سنجاق‌های میله‌ای، در خصوص کاربرد ویژه این دست‌ساخته‌ها هیچ اتفاق‌نظری وجود ندارد. سنجاق لباس (Van Loon, 1989: 323، موری، ۱۳۷۹: ۱۰۷)، سنجاق مو (Van Loon, 1989: 323، موری، ۱۳۷۹: ۱۰۷)، کاربرد آیینی یا نذری (Dussaud, 1949: 197;)

1. Pins

۲- در ارتباط با مناطق دیگر به دلیل کمبود داده‌های باستان‌شناسی اطلاعات قابل‌اطمینانی در دسترس نیست

Marcus, 1994: 5-15، گذار، ۱۳۵۸: ۴۲، هژبری نوبری و سبزی، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۴) و کاربرد به‌عنوان سلاح (Marcus, 1994: 5-15) از جمله فرضیه‌های مطرح در این ارتباط هستند که با توجه به تنوع و گستردگی سنجاق‌های میله‌ای، پذیرش یک یا چند فرضیه نیازمند مبانی علمی مستند و منطقی است.

با توجه به اهمیت باستان‌شناختی و هنری سنجاق‌های میله‌ای و سؤال اساسی مطرح در ارتباط با کاربرد یا کاربردهای این ساخته‌ها، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با استفاده از مطالعات باستان‌شناسی، قوم‌باستان‌شناسی و تاریخی، با کمک از روش توصیفی-تحلیلی، کاربردهای مختلف این دست‌ساخته‌ها مورد بررسی قرار گیرد و با مطالعه جنبه‌های مختلف این یافته‌ها و محل کشف آن‌ها، به بررسی و سنجش فرضیه‌های مطرح و نیز ارائه فرضیه یا نظریه جدید در این ارتباط بپردازد.

پیشینه پژوهشی

برای اولین بار سنجاق‌های میله‌ای توسط دمرگان و در طی کاوش‌هایی در ناحیه قفقاز در سال ۱۸۸۹ م شناسایی و معرفی شدند. ایشان نمونه‌های دیگری که در سال ۱۸۹۶ م از شوش به دست آورده بود، را نیز معرفی کرد (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۲-۳۳۴). باستان‌شناسان دیگری مانند اش‌میت (Schmidt, 1936)، واندنبرگ (Vanden Berghe, 1963)، گیرشمن و... نیز در کاوش‌های خود نمونه‌هایی از سنجاق‌های میله‌ای را به چاپ رسانده‌اند (کرتیس، ۱۳۹۳: ۶۴). باستان‌شناسان از همان ابتدای کشف این سنجاق‌ها کارکردهایی برای این سنجاق‌ها مطرح کردند و نظریاتی پیرامون کارکرد آن‌ها توسط گذار، آستین، آمیه و... ارائه شده‌اند (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۲). برای اولین بار جاکوبستال^۱ در سال ۱۹۵۶ م در کتابی با عنوان سنجاق‌های یونان و ارتباط آن با اروپا و آسیا به بررسی این سنجاق‌ها پرداخت که از یونان به‌دست‌آمده بود (Jacopsthal, 1956).

رجب ییلدریم باستان‌شناس دیگری بود که کتابی را در سال ۱۹۸۹ م با عنوان سنجا‌های میله‌ای اورارتو به زبان ترکی استانبولی به چاپ رساند (Yildirim, 1989). در ایران کاری که به صورت خاص روی سنجا‌ها متمرکز شده، به آن صورت انجام نگرفته است و برای اولین بار موری در کتاب زیرخاکی‌های مفرغی قدیم ایران که توسط علی داراب بیگی در سال ۱۳۷۹ ترجمه شده بود سنجا‌ها را در زیرمجموعه زیورآلات مفرغی زاگرس مرکزی معرفی کرده بود (موری، ۱۳۷۹) از پژوهش دیگری که به صورت خاص به سنجا‌های عصر آهن پرداخته است؛ می‌توان به پژوهش میشل مارکوس اشاره کرد که به صورت موردی کارکرد سنجا‌های محوطه حسنلو را مورد مطالعه قرار داده است (Marcus, 1994). باستان‌شناسان ایرانی به صورت خاص، به ندرت بر روی سنجا‌ها تمرکز کرده و آثاری را در این رابطه به چاپ رسانده‌اند؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به علیرضا هژبری نویری و موسی سبزی اشاره کرد که پژوهشی را در مورد سنجا‌های میله‌ای عصر آهن لرستان به انجام رسانده‌اند (هژبری نویری و سبزی، ۱۳۹۰).

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و داده‌های آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و در مواردی مطالعات میدانی و جامعه‌شناختی (یا قوم باستان‌شناسی) فراهم آمده‌اند. جامعه آماری پژوهش، سنجا‌هایی است که در جریان کاوش‌های علمی ۱۵ محوطه باستانی عصر آهن ایران به دست آمده‌اند.

عصر آهن

عصر آهن (۱۴۵۰-۵۵۰ ق.م) یکی از دوره‌های مهم و محوری در حیات بشری است که در قالب آن تحولات گسترده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی رخ

سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن ایران و کاربردهای ... ۵۳

داده است (ملازاده، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۲۱۱). در این دوره فلزگری گسترش بسیاری یافته و ساخته‌های فلزی زیادی در جریان کاوش محوطه‌های استقرار و قبرهای این دوره به دست آمده‌اند که از تنوع ساخت، هنری و کارکردی فوق‌العاده‌ای برخوردارند. از جمله این ساخته‌ها می‌توان به انواع سنجاق‌ها، به‌ویژه سنجاق‌های میله‌ای اشاره کرده که از نظر زمانی و جغرافیایی در گستره وسیع و به فراوانی حضور پیدا می‌کنند. این سنجاق‌ها که به انواع ساده یا تزیینی (با زیرگونه‌های بسیار) دسته‌بندی می‌شوند؛ بیشتر از مفرغ و آهن و در مواردی نقره، طلا و یا ترکیبی از دو فلز ساخته شده و هم در محوطه‌های مسکونی و هم در میان هدایایی تدفینی دیده می‌شوند.

با توجه به گستره زمانی و مکانی این دست‌ساخته‌ها و نیز تنوع شکلی و ابعاد آنها، نظریه‌های متفاوتی در ارتباط با کاربرد آنها مطرح شده است: سنجاق لباس (Muscarella, 1988: 40)، سنجاق مو (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۲)، آیینی (گذار، ۱۳۵۸: ۴۲)، نمادین (Marcus, 1994: 9-10)، تزیینی، سنجاق کفن (Ibid: 4) و کاربرد دفاعی یا ترکیبی از چند کاربرد از جمله نظریه‌های مطرح است. در این پژوهش ضمن معرفی سنجاق‌های میله‌ای و محل کشف و ویژگی‌های ساختاری آنها و نیز مطالعات قوم باستان‌شناسی و همچنین تشریح نظریات مختلف مطرح در ارتباط با کاربرد این اشیاء، تلاش می‌شود پراکندگی آرا و نظریات و نیز تناقض‌های موجود در این ارتباط به شیوه علمی مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار گیرد.

سنجاق‌های میله‌ای

سنجاق‌های میله‌ای شامل آن دسته از ساخته‌های فلزی به شکل میله‌هایی با نوک‌تیز و سرهای اغلب تزیینی می‌شوند که طول آنها از حدود ۵ تا ۳۵ سانتی‌متر متغیر بوده و ضخامت آنها از نوک‌تیز به سمت انتها افزایش پیدا می‌کند و در اغلب موارد به یک سر تزیینی و حجم‌دار منتهی می‌گردد. سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن مورد مطالعه در این پژوهش را می‌توان در دو گروه سنجاق‌های ساده بدون سر تزیینی

(عکس ۴) و سنجاق‌هایی با سر تزئینی یا حجم‌دار تقسیم‌بندی نمود (عکس‌های ۵ و ۶). این دو دسته کلی با توجه به نوع تزئین، استفاده از دو فلز متفاوت و یا شاخصه‌های دیگر، در زیرگونه‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند.

پیشینه ساخت اشیاء مشابه در ایران به نظر می‌رسد که به هزاره‌های چهارم و پنجم ق.م برمی‌گردد. سنجاق میله‌ای مسی به‌دست آمده از منطقه نیشابور که امروزه در موزه متروپولیتن نگه‌داری می‌شود (عکس ۱)، از نمونه‌های اولیه مکشوفه است (Fredrik & Dyson, 2005: 123). سنجاق‌های میله‌ای از هزاره سوم قبل از میلاد به این طرف از محوطه‌های عصر مفرغی بنی سرمه، چغاسبز، گورستان سراب باغ (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۴)، کمتران I، میرولی (Van Loon, 1989: 171) و همچنین در محوطه عصر مفرغی شهداد نیز بدست آمده‌اند؛ که در کمال ظرافت اجرا شده‌اند (حاکمی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) (عکس ۲). در عصر آهن ساخت و استفاده از این سنجاق‌ها گسترش بسیاری پیدا می‌کند و در بیشتر محوطه‌های تدفینی و نیز مسکونی می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. روند استفاده از این سنجاق‌ها بعد از عصر آهن نیز ادامه داشته و نمونه‌هایی آن‌ها را می‌توان در محوطه‌های هخامنشی شوش، پاسارگاد و دوه هویوک (در شمال سوریه) مشاهده کرد (کرتیس، ۱۳۹۲: ۶۵). استفاده از این سنجاق‌ها در دوره اشکانی و ساسانی و حتی اسلامی ادامه پیدا می‌کند (البته نه در مقیاس عصر آهن). مشابه سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن را می‌توان در اوایل دوران اسلامی و در محوطه اسلامی نیشابور مشاهده کرد که دارای سر تزئینی به شکل یک پرند (عکس ۳) است (شریفیان و ده‌پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۰).



عکس ۳- سنجاق میله‌ای با سر
قالبی به شکل پرنده از محوطه
اسلامی نیشابور (شریفیان و
ده پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۰)

عکس ۲- سنجاق‌های
میله‌ای با سرهای تزئینی
بدست آمده از شهداد
کرمان (حاکمی ۱۳۸۵:

عکس ۱- سنجاق میله‌ای بدست آمده
از نیشابور
(www.metmuseum.org/April2019)

۷۸۹ و ۷۵۱)

جامعه آماری پژوهش

با توجه به مطالعه صورت گرفته سنجاق‌های میله‌ای در ایران بیشترین استفاده را در عصر آهن (۱۴۵۰ تا ۵۵۰ ق.م) داشته‌اند. بنابراین این دوره تاریخی مبنای مطالعه این پژوهش قرار گرفته و در قالب آن تعدادی از محوطه‌های شاخص دوره عصر آهن فلات ایران که از آن‌ها سنجاق‌های میله‌ای بدست آمده، مورد مطالعه قرار گرفته است که در چهار ناحیه شمال رشته‌کوه‌های البرز، فلات مرکزی، شمال غرب و زاگرس مرکزی قرار دارند که عبارت‌اند از: وسکه (خلعتبری (الف)، ۱۳۸۳: ۱۰۸)، تول تالش (خلعتبری (ب)، ۱۳۸۳: ۷۹)، مارلیک (نگهبان، ۱۳۷۸: ۹۵-۹۸)، قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۷)، خورویین (van den Berghe, 1965: 30-32)، تپه قبرستان قزوین (فاضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۶)، قبرستان سیلک (گریشمن، ۱۳۸۹: ۳۳۲)، دینخواه تپه (Muscarella, 1974: 43)، هفتون تپه (Burney, 1972: 135-136)، حسنلو (Marcus, 1994: 4-5&12) نوشیجان (کرتیس، ۱۳۹۳: ۶۴)، گیان (Contenau & Ghirshman,

18-38 (1935)، باباجان (Goff, 1978: 29-30)، بردبال (اورلت، ۱۳۹۲: ۶۰۲-۶۲۳) و سرخ‌دم (Van Loon, 1989: 53). جزئیات و محل قرارگیری سنجا‌های بدست آمده از برخی محوطه‌های مورد مطالعه را می‌توان در جدولش ۱ مشاهده کرد.



عکس ۶- سنجا با تارک

غیرفلزی از گیان

(Contenau &)

(Ghirshman, 1935)

عکس ۵- نمونه سنجا، با تارک قالبی

(<https://www.mfa.org/collections/>)

(object/rosette-pin

عکس ۴- نمونه سنجا‌های

میله‌ای بدون تارک از حسنلو

(Marcus, 1994: 7)

نمونه سنجا‌های مورد مطالعه در این پژوهش از دو گروه محوطه‌های قبرستانی و ساختمانی به‌دست آمده‌اند. در محوطه‌های ساختمانی سنجا‌ها در بین آوارهای ناشی از تخریب و یا به‌صورت تعمدی در بین خشت‌های دیوارها و کف‌ها - سرخ‌دم - جاسازی شده‌اند (Muscarella, 2005: 695-696, Goff, 1978: 29-30 و Van Loon, 1989: 53). در محوطه‌های قبرستانی نیز سنجا‌ها در داخل گودال تدفین و در مجاورت با نیمه بالایی اسکلت‌ها قرار گرفته‌اند. وضعیت قرارگیری این سنجا‌ها نسبت به اسکلت‌ها در داخل قبور عبارت‌اند از: بر روی سینه، بین شانه و سر، بر روی شانه، در کنار نیمه بالایی اسکلت و زیر تخت سنگ کف گور (فاضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۶، گریشمن، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶ و ۲۶۸، کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۷، خلعتبری (الف)، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۵، خلعتبری (ب)، ۱۳۸۳: ۲۹-۴۱، نگهبان، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۸ و Burney, 1972: 135-136).

سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن ایران و کاربردهای ... ۵۷

جدول ۱- جزئیات سنجاق‌های میله‌ای و محل قرارگیری آن‌ها در محوطه‌های باستانی (نگارندگان)

نام محوطه	تاریخ پیشنهادی	شماره گور	تعداد سنجاق	محل قرارگیری	اندازه (cm)	جنس	توضیحات
بردبال	عصر آهن I-II	۱۰	۵	-	-	آهن	سر برجسته
		۱۷	۱۵	-	۱۶/۵-۴/۵	۶ عدد مفرغی، ۴ عدد آهن+مفرغ و ۵ عدد آهنی	سر توتی شکل
		۲۹	۲	-	۴(فرسوده) و ۱۳/۵	مفرغ=آهن	سر توتی شکل
		۶۶	۳	-	۱۴/۱، ۱۱/۸ و ۱۰/۵	مفرغ	سر توتی شکل
		۶۸	۳	-	۱۲، ۱۵/۵ و ۱۰/۵	مفرغ	سر توتی شکل
		۷۰	۱	-	۱۱/۷	مفرغ	سر توتی شکل
وسکه	سده‌های آغازین هزاره اول	۳	۲۴	پیرامون نیمه بالایی اسکلت	۱۳/۹-۵/۷	مفرغ	۸ عدد از سنجاق‌ها دارای سوراخ در قسمت بالایی، یک نمونه دارای تارک شاخی شکل
سیلک B	۵۵۰-۸۰۰ ق.م	۱۳۶	۱	روی سینه	۱۹	مفرغ	تارک به شکل سرشیر
		۷	۴	دو عدد روی شانه، ۱ عدد در ناحیه سر و ۱ عدد در کنار	-	آهن	-
		۱۲۳	۵	کنار نیمه بالایی اسکلت	۱۴، ۱۵، ۶/۵ و ۷/۵	مفرغ+نقره، مفرغ+نقره و ۲ عدد آهنی	یکی از سنجاق‌ها دارای سرشیر است
		۶۱	۲	شانه	۲۲	آهن	-

		۳۱	۲	کنار نیمه بالایی اسکلت	۱۴	مفرغ	-
		۱۴۹	۱	کنار نیمه بالایی اسکلت	۹	مفرغ	دارای تارکی به شکل مارپیچی
قیطریه	-۱۲۰۰ ۱۰۰۰ ق.م	۸	۲	بین سر و شانه	-	مفرغ	-
		۱۵	۱	بین سر و شانه	-	مفرغ	-
		۱۷	۲	کنار نیمه بالایی اسکلت	-	مفرغ	-
		۹۵	۱	کنار نیمه بالایی اسکلت	-	مفرغ	-
		۳۳۰	۲	روی سینه و بین شانه و سر	-	مفرغ	-
		۳۳۲	۱	روی سینه	-	مفرغ	-
		۱۷۷	۲	روی سینه و بین شانه و سر	-	مفرغ	-
		۱۵۱	۱	بین شانه و سر	-	مفرغ	-

شیوه‌های ساخت و تزیین سنجاق‌ها

در ارتباط با شیوه ساخت و پرداخت سنجاق‌های میله‌ای کار علمی و جامع درخوری انجام نگرفته است. با این حال با توجه به شواهد و مدارک موجود می‌توان شیوه ساخت و تزیین آنها را توصیف نمود.

ساخت: غالب سنجاق‌های میله‌ای مورد مطالعه از مفرغ (ترکیب مس و قلع) و به شیوه ریخته‌گری یا قالب‌ریزی ساخته شده‌اند. برای قالب‌ریزی سنجاق‌های ساده‌تر به نظر می‌رسد که از قالب‌های دو کفه و برای نمونه‌های پرکارتر، از تکنیک موم گمشده استفاده شده است. در قالب‌های دو کفه شکل سنجاق به صورت منفی بر سطح دو کفه قالب کنده شده و بعد از چسباندن دو کفه به یکدیگر، از طریق سوراخ تعبیه شده، فلز مذاب به داخل قالب ریخته می‌شود. این شیوه از دوره مفرغ متداول بوده و در عصر آهن

نیز به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Overlaet, 2004: 336). برای سنجاق‌هایی با سر تزئینی تر و طرح حجمی، روش موم گمشده، مناسب‌تر بود. در این شیوه نمونه مومی سنجاق از موم ساخته می‌شد و بعد با روکشی از گل رُس در برگرفته می‌شد. بعد از خشک شدن روکش گلی، به آن حرارت داده می‌شد تا موم ذوب‌شده از منفذ تعبیه‌شده خارج شود و سپس به جای آن فلز مذاب ریخته و بعد از خشک شدن آن پوسته گلی شکسته شده و سنجاق خارج می‌شد. بیشتر تزئینات سنجاق‌ها در مرحله قالب‌ریزی اجرا می‌شد اما بعضی از جزئیات و پرداخت و صیقل سطحی در مرحله بعد از ساخت انجام می‌گرفت.

برای ساخت تعدادی از سنجاق‌های عصر آهن، به صورت توأمان از دو فلز آهن و مفرغ استفاده شده است. از آهن برای قسمت میله و از مفرغ برای سر تزئینی سنجاق استفاده شده است. با توجه به این‌که در این دوره امکان ذوب و ریخته‌گری آهن وجود نداشته (ملازاده، ۱۳۸۷: ۱۸۲)، ابتدا بخش آهنی ریخته‌گری شده و سپس با استفاده از تکنیک ریخته‌گری بر (Casting on)، با ساخت قالبی، بخش مفرغی را بر روی انتهای میله آهنی ریخته‌گری می‌کردند (Piggot, 1977: 209-234).

تزئین: سنجاق‌های مورد مطالعه دارای دو بخش اصلی میله و سر تزئینی هستند. قسمت میله ساده و فاقد تزئین خاصی است و تزئین موجود تنها اختصاص به قسمت سر سنجاق دارد. تعداد زیادی از سرسنجاق‌ها با طرح‌های مهره، حلقه و شیار انداختن‌های ساده تزئین شده‌اند اما در تعدادی، این سر حالت برجسته و حجمی پیدا کرده و با پیکره‌های حیوانی، گیاهی و ترکیبی تزئین شده‌اند. در مجموعه مورد مطالعه سنجاق‌ها نقوش شیر، بز، میوه انار و خوشه‌انگور بسیار پرکاربرد بوده است. نقش شیر یک نقش پرکاربرد در بسیاری از اشیاء به دست آمده از دوران گذشته است. شیر نمادی از خورشید (مهر)، قاضی و پشتیبان که در نقش‌ها و مدل‌های گوناگونی بر روی برنزه‌های لرستان مشاهده شده است. ماسکارا لا جنگ شیرها و ایستادن بر روی پاهای

عقبی را معرف آهن II و III لرستان می‌داند (Ayazi, 2008: 31). موتیف‌های متعددی از شیر در سرسِنجاق‌ها استفاده شده است.

نقش بز کوهی نیز مظهر خورشید بوده است و همیشه با علامت‌های ستاره‌های چندپر بر مظهر تاریکی که حیوان بزرگ اندامی است غلبه کرده است (علائمی، ۱۳۷۵: ۲۰). شاخ‌های پیچ‌دار بزکوهی، گاو و گوزن به عقیده مردم باستان در نزول باران مؤثر بوده‌اند به طوری که این نقوش به تلقین و تأثیر عقاید جادویی و مذهبی به صورت مجسمه ساخته شده و یا روی ظرف کنده شده‌اند. به همین دلیل در تمام دوره‌های تاریخی و ماقبل تاریخی نمونه‌های خوب و پرارزشی از جانوران شاخ‌دار در دست است که مظهري از فرشته باران بوده‌اند (معصومی، ۱۳۷۵: ۳۷). درخت انار نیز همواره در اعصار باستانی به عنوان یک درخت مقدس شناخته شده است. میوه انار به عنوان سمبلی از سینه یک زن در زمان حاملگی است. انار احتمالاً نشانه‌ای از فراوانی بوده است. موتیف این میوه در برخی از سنجاق‌ها قابل مشاهده است (Ayazi, 2008: 36).

سنجاق‌های میله‌ای در دیگر فرهنگ‌های عصر آهن

نمونه‌های مشابه سنجاق‌های عصر آهن فلات ایران را می‌توان در پهنه وسیعی از سرزمین‌های خاور نزدیک و بخش‌هایی از اروپا مشاهده کرد. سنجاق‌هایی از ایتالیا، یونان، آسیای صغیر، قفقاز، بین‌النهرین و بخش‌هایی از لوانت به دست آمده‌اند که دارای سرهای قالبی به شکل حیوانات واقعی و موجودات تخیلی هستند (عکس ۷). در ایتالیا برخلاف بیشتر سنجاق‌هایی که از محوطه‌های قبرستانی به دست آمده‌اند؛ از محوطه‌های ساختمانی کاوش شده‌اند و تعداد خیلی محدودی از این سنجاق‌ها از قبور به دست آمده‌اند (Yildirim, 1989: 10). در یونان تعداد زیادی از این سنجاق‌ها از معابد هرا در پراچورا^۱ و آراگوس^۲ به دست آمده‌اند (Jacopsthal, 1956: 96). علاوه بر سنجاق‌های

1. Perachora
2. Argos

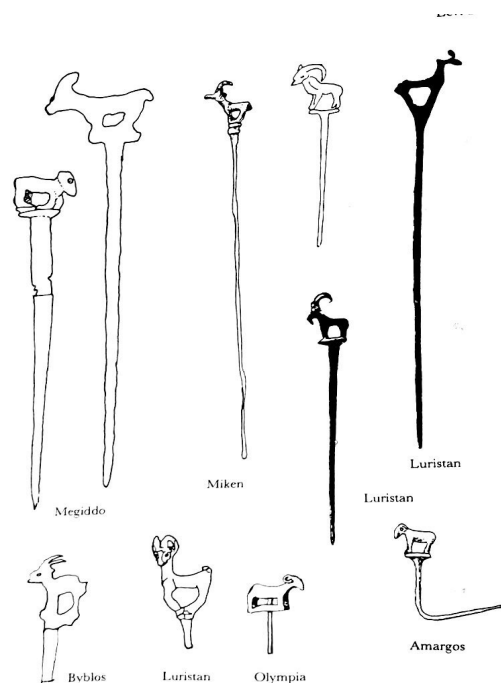
به‌دست‌آمده از محوطه‌های ساختمانی، نمونه سنجاق‌هایی نیز از محوطه‌های قبرستانی به‌دست آمده‌اند که نمونه‌های آن‌ها را می‌توان در قبور محوطه باستانی کرامیکوس^۱ در آتن مشاهده کرد. از قبور جزایر اژه، کرت و سیروس نیز نمونه سنجاق‌هایی به‌دست آمده‌اند (Hood, 1994: 194). در قبرس از محوطه‌های انکومی^۲ و لپیتوس^۳ نیز سنجاق‌هایی گزارش شده است (Jacopsthal, 1956: 28). تا به امروز سنجاق‌های به‌دست‌آمده از یونان را باستان‌شناسان به‌عنوان اشیاء مذهبی و مقدّس معرفی کرده‌اند (Ibid: 96).

در آناتولی سنجاق‌ها هم از محوطه‌های ساختمانی و هم قبرستانی به‌دست آمده‌اند. نمونه‌های آن را می‌توان در اکثر طبقات استقراری تروا^۴، آلاجا هویوک^۵، در طبقات مختلف آلیشار بخصوص طبقه II و قبور آن، در لایه‌های I و II کول تپه در دو بخش مسکونی و قبرستانی، در بغازکوی از طبقات (I, II, III, IVb, IVc, IVd, V) و (Yildirim, 1989: 12)، از سکونت‌گاه‌های گیزی‌های فریگیه‌ای گوردیون و زینجیرلی تعداد زیادی از سنجاق‌ها به‌دست آمده است (گیرشمن، ۱۳۸۹: ۹۳). در قفقاز از قبور و کورگان‌های منطقه کوبان (قفقاز شمالی)، سنجاق‌هایی با سرهای نیمکره یا لوله شده و یا با جلوه‌های حیوانی مشاهده شده است (همان: ۹۳). گورهای لوار (همان: ۸۲)، از محوطه کالی کند در یک قبر سنجاقی که در داخل یک فنجان بوده و همچنین از دیگر فرهنگ‌های قفقاز نیز تعداد زیادی از این سنجاق‌ها به‌دست‌آمده است. این سنجاق‌ها عموماً در کنار سر و روی سینه اسکلت به‌دست آمده‌اند (Yildirim, 1989: 11).

در سوریه، فلسطین و غرب بین‌النهرین نیز سنجاق‌هایی به‌دست آمده است. در کاوش‌های باستانی تپه ابوشوشه در سرزمین‌های اشغالی تعداد زیادی سنجاق از

-
1. Kerameikos
 2. Enkomi
 3. Lapithos
 4. Truva
 5. Alaca Hoyok

لایه‌های نامشخصی به‌دست‌آمده است. در لایه‌های استقرار و قبور محوطه چغابازار، در رأس شمرا و از دوره اوگاریت میانی I به همراه سایر اشیاء فلزی، سنجاق‌هایی نیز به ثبت رسیده‌اند (Yildirim, 1989: 10). این نوع سنجاق‌ها از نینوا، از ساخت و سازهای سناخریب (گیرشمن، ۱۳۸۹: ۸۲)، در محوطه یورقان تپه یا نوزی در یک خانه و همچنین از قبور دوره آشور نیز بدست آمده‌اند. در فلسطین از لایه‌های استقرار و قبور مگیدو^۱ و غزه و در جبل لبنان نیز سنجاق‌هایی به‌دست آمده است (Yildirim, 1989: 10).



عکس ۷- نمونه سنجاق‌های بدست آمده از خاور نزدیک (Yildirim, Recep, 1989)

بررسی نظریات مطرح در ارتباط با کارکرد سنجاق‌های میله‌ای

یکی از اهداف اصلی باستان‌شناسی بازسازی گذشته بر اساس مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از محوطه‌های باستانی است. پس شناخت مواد فرهنگی و کاربردهای محتمل آنها نقش مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت این بازسازی دارد. انسان موجودی پیچیده است و این پیچیدگی به‌نوعی در دست‌ساخته‌های او نیز انعکاس پیدا می‌کند. از این‌رو تشخیص کاربردهای دست‌ساخته‌ها همیشه به سهولت امکان‌پذیر نیست به‌ویژه در ارتباط با مواردی که کاربرد نمادین یا آیینی و یا چندگانه داشته‌اند.

کاربرد و یا کاربردهای سنجاق‌های میله‌ای با توجه به گستره تاریخی و جغرافیایی، تنوع بسیار از نظر ابعاد، اشکال، فلز مورد استفاده و نیز کشف آن در میان مجموعه‌های تدفینی، آیینی و سکونتی، با ابهامات زیادی همراه شده و از همین رو است که کاربردهای متفاوت و متناقضی در این ارتباط مطرح شده است که در ادامه به بررسی این کاربردها و نیز ارائه فرضیه جدیدی در این ارتباط پرداخته خواهد شد.

سنجاق لباس (Garment Pin)

اتصال قسمت‌های منفصل یا بازشدنی لباس به یکدیگر یکی از کاربردهای اصلی انواع سنجاق‌ها، از جمله سنجاق میله‌ای است که این کاربرد تا به امروز تداوم یافته است. البته بعدها با رواج سنجاق قفلی‌ها و سهولت کاربرد آنها، استفاده از سنجاق‌های میله‌ای برای اتصال لباس کاهش پیدا کرد (Muscarella, 1988: 40). کشف تعدادی از سنجاق‌های مورد مطالعه در این پژوهش در کنار شانه و روی سینه اسکلت (گریشمن، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶، ۲۶۸، ۲۳، ۱۸۲ و ۱۹۸ و Burney, 1972: 135-136) چنین استفاده‌ای را تأیید می‌کند. همچنین نمونه این نوع کاربرد را می‌توان بر روی پلاک گلی عیلامی از عصر مفرغ و همچنین نقاشی روی سفال از یونان باستان مشاهده کرد (عکس ۸) (Van Loon, 1989: 323). نقاشی مزبور به‌وضوح چنین کاربردی را گواهی می‌دهد. استفاده از یک جفت سنجاق بر روی قسمت سینه، بر سطح یک سر سنجاق مکشوفه از سرخ‌دم لرستان به تصویر کشیده شده است (عکس ۹) (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۱) که تا

حدودی قابل مقایسه با نمونه یونانی است. لازمه چنین استفاده‌ای از سنجاق میله‌ای وزن نه‌چندان زیاد، ابعاد به نسبت کوچک و توان نگه‌دارندگی آن است. طول این سنجاق‌ها در حسنلو بین ۵ تا ۱۳ سانتیمتر است (Marcus, 1994: 4) همچنین سنجاق لباس علاوه بر فلز می‌توانست از چوب، استخوان و عاج نیز ساخته شود؛ مشابه نمونه‌های متأخرتری که در جوامع مختلف می‌توان شاهد آن بود. در عصر آهن به نظر می‌رسد تنها زنان از سنجاق لباس، به‌صورت جفتی بر روی شانه چپ و راست، درحالی‌که نوک تیز آن‌ها به سمت بالا بوده، استفاده می‌کردند.



0 5 cm

عکس ۹- استفاده از سنجاق لباس در لرستان

(Marcus, 1994: 8)



عکس ۸- نمونه‌ای از به‌کارگیری سنجاق

لباس در یونان (Yildirim, Recep, 1989)

سنجاق مو (Hair Pin)

در طول تاریخ و همچنین در عصر حاضر سنجاق‌های میله‌ای و ابزارهای مشابه آن، با توجه به مطالعات قوم باستان‌شناسی و تجارب موجود، بیشترین کاربرد را به‌عنوان سنجاق مو داشته و دارند و بیشتر نمونه‌های عصر آهن نیز از نظر شکل و ابعاد با نمونه‌های دوره‌های متأخرتر انواع سنجاق مو مشابهت بسیار دارند. بلند نگه‌داشتن مو هم برای زنان و هم مردان در بسیاری از جوامع باستان رسم بسیار معمولی بوده و

وجود سنجاق‌ها یا ابزارهایی برای نگهداری موهای بلند، ضروری بوده است. همچنین داده‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که اکثر سنجاق‌های میله‌ای در قبور کنار سر اسکلت‌ها قرار داشته‌اند. - از جمله نمونه‌های به‌دست‌آمده از قبرستان قیطره (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۷) و لرستان (اورلت، ۱۳۹۲: ۳۳۲).- با توجه به این موارد، می‌توان کاربرد سنجاق مو را برای بیشتر نمونه‌های مکشوفه پیشنهاد کرد (عکس ۱۰).

سنجاق‌های نذری، آیینی، نمادین و جادویی

(Votive, Ritual, Symbolic and Magic Pin)

تعدادی از سنجاق‌های عصر آهن ایران در داخل بناهای مذهبی و یا در ارتباط با آن‌ها به‌دست‌آمده و به نظر می‌رسد این دسته از سنجاق‌ها کارکرد نذری یا آیینی داشته‌اند. همان‌گونه که تجارب دوره معاصر نشان می‌دهد، اشیاء نذری یا اهدایی به زیارتگاه‌ها از تنوع شکلی، ارزشی و کاربردی بسیاری برخوردارند (دولتی و ملازاده، ۱۳۹۷: ۱). بنابراین سنجاق‌های برنزی با توجه به ارزش ذاتی فلز و موارد دیگر می‌توانستند در کنار کاربرد اصلی خود، در صورت لزوم به‌عنوان اشیاء نذری و آیینی نیز مورد استفاده قرار بگیرند. گذار با توجه به محل قرارگیری سنجاق‌ها در زیر کف‌ها و دیوارهای معبد سرخ‌دم در کنار سایر اشیاء به‌دست‌آمده از این معبد، سنجاق‌ها را به‌عنوان وسایل نذری معرفی کرده و عنوان می‌کند: «بدون تردید اغلب سنجاق‌های به‌دست آمده بخصوص از لرستان نذری هستند، این چندان دور از واقعیت نیست، چراکه قسمت اعظم آن‌ها برای استفاده به‌عنوان زینت، خیلی سنگین و جاگیر به نظر می‌رسند. سنجاق‌ها در انواع مختلف مزین و سبک‌وزن و در نتیجه به سبب ناچیزی دستمزد صنعتگران، نذرهای ارزان قیمتی به‌منظور اهداء بوده‌اند که در توانایی مردمان دوران خودشان برای بخشیدن به معبد بوده‌اند» (گذار، ۱۳۵۸: ۴۲). در یونان نیز تعداد

زیادی از سنجا‌های میله‌ای از معابد هرا به دست آمده است که نذری بودن این اشیاء را نشان می‌دهد (Jacopsthal, 1956: 96).

حضور تعداد قابل توجهی از سنجا‌های میله‌ای در داخل قبور و محل قرارگیری آنها، اصطلاح «سنجا کفن»^۱ را در ارتباط با تعدادی از سنجا‌ها متداول کرده است (Marcus, 1994: 4). از آنجاکه رسم کفن پیچ کردن جسد به خوبی در متون شرق نزدیک، شناخته شده بود، می‌توان احتمال داد که این دست‌ساخته‌ها برای اتصال قطعات کفن و یا با اهداف آیینی - شاید باهدف استفاده مرده در دنیای بعد از مرگ - در تدفین مورد استفاده قرار گرفته باشند. در حسنلو این دسته از سنجا‌ها اندازه بزرگ‌تری داشته و طول آنها بین ۱۴-۳۶ سانتی‌متر متغیر بوده و احتمالاً تنها به همراه اجساد طبقات بالای جامعه و به صورت جفتی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Marcus, 1994: 4) (عکس ۱۱). نمونه‌هایی از این سنجا‌ها را می‌توان در قبور تپه قبرستان قزوین و حسنلو مشاهده کرد که بر روی سینه‌های اسکلت‌ها قرار داشته‌اند (فاضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۶) (Marcus, 1994: 5).

کاربرد نمادین سنجا‌ها در ارتباط با دختران و زنان، فرضیه دیگری است که توسط میشل مارکوس در ارتباط با سنجا‌های عصر آهن محوطه حسنلو در شمال غرب ایران مطرح شده است (Marcus, 1994). بر اساس این فرضیه همانند نوع پوشش و آرایش زنان در جوامع سنتی، استفاده از این دسته از سنجا‌ها بیانگر مفاهیمی در ارتباط با مراحل مختلف زندگی دختران و زنان (دوشیزگی، همسری و مادری) بوده است (Ibid: 6-7). نویسنده همچنین به رسوم اقوام بهاروند منطقه زاگرس اشاره می‌کند که در آن در مراسم عروسی خانواده عروس سوزن نمادینی به خانواده داماد هدیه می‌دهند و اعتقاد دیگری از همین اقوام که بر اساس آن مردی می‌تواند با فروکردن یک سنجا داخل موهای «پری» (افسانه‌ای) او را تسخیر نماید (Ibid: 9).

یکی دیگر از کاربردهای محتمل سنجاق‌های فلزی اعتقاد به قدرت جادویی و بازدارندگی آنهاست. بر اساس داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی تعدادی از فلزات از جمله مس - از لحاظ قدرت جادویی با مفرغ برابر است - و آهن - همان فلزاتی که در ساخت سنجاق‌ها استفاده شده - قدرت جادویی، بازدارندگی و حفاظت داشتند (Paszthory, 1989: 35)، پس برای حفاظت بناها در بین‌النهرین باستان قطعاتی از این فلز را در زیر شالوده بناها قرار می‌دادند و یا برای دفع ارواح و نیروهای شرور در قالب طلسم و آویز به گردن می‌آویختند. میخ‌ها و اشیاء نوک‌تیز فلزی در دوره‌های متأخرتر و جوامع سنتی چنین نقشی بر عهده داشتند. در این اعتقاد میخ نیروی ذاتی جادویی داشته و میخ‌کوب و الصاق آن در حقیقت یک جادوی نمادین است.

نمونه‌ای از به‌کارگیری میخ‌های فلزی به‌عنوان یک عمل جادویی را در عراق می‌توان مشاهده کرد که برای دفع بیماری‌ای که در وجود شخص بیمار رخنه کرده، استفاده می‌شود. به این صورت که برای به دام انداختن و به سلطه درآوردن ارواح پلید، به دیوار نزدیک بیمار، یک میخ زده می‌شود (Rashid, 1983: 41). مشابه این میخ‌های جادویی به تعداد وسیع که در مواردی دارای نوشته نیز هستند، در بین‌النهرین به‌دست آمده که برای دفع بدی‌ها و محافظت از شر شیاطین مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Thompson, 1971: 46, 61, 92). در ایران معاصر نیز هنوز در میان لایه‌هایی از جامعه این اعتقاد وجود دارد که الصاق اشیاء فلزی نوک‌تیزی چون سوزن و سنجاق قفلی بر روی لباس، سبب رانده شدن ارواح و اجنه و مانع از آسیب‌رسانی آن‌ها می‌شود.

تجربه مشابهی را در میان زردشتیان می‌توان دید. تعدادی از ایشان ابزاری فلزی با نوک‌تیز با نام «مارغن»، «مارجن» و یا «مارگن» دارند که از آن برای زدن، کشتن و راندن حیوانات اهریمنی مانند: مار، قورباغه، سوسک، حشرات و... استفاده می‌کنند. در کتاب بندهش نیز آمده است که «پیداست که هر به‌دینی یک مارغن باید داشتن که خرفستران - حیوانات و موجودات اهریمنی - و گناهکاران را با آن زند و کُشد تا کُرفه‌مندتر (رستگارتتر) شود» و این مطلب را دربارهٔ مارغن گویند «که چون خرفستر ببیند - مارغن را - نکشد» (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۲۰ - ۱۲۱).

سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن فلات ایران نیز با توجه به ابعاد و همچنین تیزی نوک آن در اکثر نمونه‌های مورد بررسی بسیار شبیه میخ‌ها و سوزن‌های فلزی و همچنین مارغن‌هایی هستند که برای دفع ارواح و موجودات اهریمنی استفاده می‌شدند. همچنین استفاده عمده از دو فلز مفرغ و آهن در ساخت این سنجاق‌ها؛ با توجه به ویژگی دفاعی و ضد اهریمنی این دو فلز، می‌توان سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن فلات ایران را وسایل و طلسم‌هایی برای دفع ارواح و اجنه دانست که توسط مردمان عصر آهنی، هم در محوطه‌های ساختمانی و هم در کنار مردگان خویش در قبور قرار می‌داده‌اند.



عکس ۱۰- نمونه‌ای از سنجاق موهایی که در جوامع سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد
عکس ۱۱- سنجاق کفن (Marcus, 1994: 6)

www.pinterest.com/search/pins

سنجاق تزئینی

بر اساس تجارب و شواهد موجود، انواع مختلف سنجاق در کنار کاربرد اصلی خود، اغلب جنبه تزئینی نیز داشته و یا اینکه در مواردی - به‌عنوان مثال در ارتباط با تعدادی از سنجاق لباس‌های امروزی- صرفاً جنبه تزئینی داشته و فاقد کاربرد عملی

خاصی بوده‌اند. با توجه به سرهای تزئینی تعداد زیادی از سنجاق‌های میله‌ای عصر آهن، می‌توان کارکرد مکمل تزئینی را دست‌کم برای بخشی از سنجاق‌های لباس و مو پیشنهاد کرد.

سنجاق با کاربرد دفاعی

بیشتر سنجاق‌های میله‌ای دارای نوک‌تیز و کشنده و نیز استحکام لازم برای ضربه زدن بودند و به راحتی می‌توانستند به‌عنوان یک سلاح کارا مورد استفاده قرار گیرند. مدارک مکتوب زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در یونان باستان سنجاق مو و لباس در صورت لزوم به‌عنوان سلاح کشنده در ارتباط با دفاع یا قتل مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Marcus, 1994: 10). در منابع سومری نیز اشارات مشابهی وجود دارد. همچنین در بعضی از مدارک عکسی به‌دست‌آمده از بین‌النهرین و ایران، ایستار الهه جنگ و عشق با سلاح‌هایی نشان داده شده که بسیار شبیه سنجاق‌های به عکس کشیده شده عصر آهن هستند. در منابع دوره متأخرتر غرب نیز شواهدی وجود دارد که زنان از سنجاق کلاه خود به‌عنوان وسیله دفاع شخصی استفاده می‌کرده‌اند (Ibid).

استفاده از سنجاق مو با کارکرد دفاعی در شرق دور نیز سابقه داشته است؛ بویژه اینکه سنجاق‌های موی شرق دور شباهت زیادی به سنجاق‌های عصر آهن ایران دارند. همچنین بر اساس روایت‌های صورت گرفته در اواخر دوره قاجار در ایران از جوالدوز و ابزارهای شبیه سنجاق برای کشتن افراد استفاده می‌شده که به این عمل «جوالدوزکش» اطلاق می‌شده است. در ارتباط با این کاربرد، می‌توان به جنبه روان‌شناختی استفاده از این نوع دست‌ساخته‌ها نیز اشاره کرد. مارکوس در این ارتباط اشاره دارد که استفاده زنان از سنجاق‌هایی که به‌نوعی شبیه جنگ‌افزارهای مردان بوده، شاید ماهیت روان‌شناختی داشته و هدف آن به رخ کشیدن جامعه‌ای مسلح و قدرتمند بوده است (Marcus, 1994: 10). استفاده نمادین یمنی‌های امروزی از خنجر نیز، کارکرد مشابهی دارد.

نتیجه‌گیری

سنجاق‌های میله‌ای با ابعاد ۵ - ۳۵ سانتی‌متر و قطری کمتر از ۱/۵ سانتی‌متر که عمدتاً از مفرغ و آهن ساخته شده‌اند، یکی از رایج‌ترین اشیاء فلزی است که در عصر آهن خاور نزدیک هم در محوطه‌های استقرار - استفاده روزمره - مذهبی - اهدایی یا نذری - و تدفینی - آیینی - بدست آمده‌اند. در قبور این سنجاق‌ها در کنار یا روی نیمه بالایی اسکلت‌ها قرار داده شده‌اند. در منابع این دست‌ساخته‌ها اغلب با عنوان کلی «سنجاق» معرفی شده‌اند، یا این‌که بدون تفکیک و بحث علمی، به کارکردهای مختلف آن از جمله سنجاق لباس، سنجاق مو، اشیاء نذری و نمادین، ابزار دفاعی و سنجاق کفن اشاره کرده‌اند که جوابگوی ابهامات اساسی موجود نیستند. در این پژوهش تلاش گردید با استفاده از مطالعات باستان‌شناسی، قوم‌باستان‌شناسی و تاریخی کاربردهای مختلف این دست‌ساخته‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج بدست‌آمده سنجاق‌های مورد مطالعه با توجه به شکل و ابعاد و نیز محل کشف و استفاده دارای کاربرد به‌عنوان سنجاق لباس، سنجاق مو، سنجاق تزیینی، دفاعی، نمادین، نذری، جادویی، آیینی و نیز کاربردهای مکمل و چندگانه بودند و یکی از کاربردهایی که قبل از این کمتر به آن اشاره شده و در این مقاله به آن پرداخته شده، کاربرد آن به‌عنوان ابزاری برای مقابله با ارواح و نیروهای شرور و نیز حیوانات موذی و آزارسان است، که به‌نوعی تداوم استفاده از آن را می‌توان در جوامع سنتی و نیز زردشتیان دوره قبل و معاصر مشاهده کرد. در این راستا سنجاق‌ها نقش تعویذ و طلسمی را داشتند که ارواح شرور و اجنه را از صاحب آن دور می‌داشت و نوعی حفاظت جادویی برقرار کرده و در صورت لزوم از آن برای مبارزه با حیوانات موذی و همچنین ابزار دفاع شخصی نیز استفاده می‌کردند.

منابع

- اورلت، برونو (۱۳۹۲)، *عصر آهن اولیه در پشتکوه لرستان*، مترجمان: دکتر کمال‌الدین نیکنامی و دکتر امیر ساعد موچشی، تهران، سمت.
- حاکمی، علی (۱۳۸۵)، *کاوش‌های باستان‌شناسی شهداد (۱۳۴۷-۱۳۵۴)*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- خلعتبری، محمدرضا (الف). (۱۳۸۳)، *کاوش‌های باستان‌شناسی تالش، وسکه-میان رود*، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان با همکاری پژوهشکده باستان‌شناسی.
- خلعتبری، محمدرضا (ب). (۱۳۸۳)، *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش، تول گیلان*، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان با همکاری پژوهشکده باستان‌شناسی.
- دادگی، فَرَنبَغ (۱۳۶۹)، *بندھش*، ترجمه: مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- شریفان، هادی و ده پهلوان، مصطفی (۱۳۸۷)، *فلزکاری نیشابور در دوره اسلامی (قرون ۲-۶ ه.ق)*، *باستان پژوهی*، شماره ۱۶: ۳۱-۴۶.
- علائی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، *مجموعه هنری اشیاء مفرغی لرستان*، در کتاب *مفرغ‌های لرستان* جلد اول، خرم‌آباد: انتشارات پیغام، ۱۰-۲۰.
- فاضلی نشلی، حسن (۱۳۸۵)، *باستان‌شناسی دشت قزوین از هزاره ششم تا هزاره اول قبل از میلاد: گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌های باستانی زاغه، قبرستان، اسماعیل‌آباد و بررسی‌های باستان‌شناسی دشت قزوین*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- فیشر، ویلیام بنی (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران کمبریج سرزمین ایران*، جلد اول، مترجم: قادر تیموری، تهران: انتشارات مهتاب.
- کالمایر، پیتر (۱۳۷۶)، *مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه*، مترجم: محمد عاصمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کامبخش‌فرد، سیفا... (۱۳۷۰)، *تهران سه هزار و دویست‌ساله بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی*، تهران: نشر فضا.
- کرتیس، جان (۱۳۹۲)، *نوشیجان ۳: یافته‌های کوچک*، مترجم: کاظم ملازاده، همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.

- گذار، آندره (۱۳۵۸)، هنر ایران (با تجدیدنظر)، مترجم: دکتر بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- گذار، آندره و دیگران (۱۳۷۱)، آثار ایران، چاپ دوم، مترجم: ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۹)، سیلک کاشان (جلد دوم)، مترجمین: اصغر کریمی، آریتا همپارتیان، تهران: انتشارات مرسل.
- ماسکارلا، اسکار وایت (۱۳۸۷)، برنز و آهن‌های حسنلو، مترجم: علی صدراپی و صمد علیون، گنجینه هنر.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۵)، تاریخ‌گذاری سرسینجاق‌های مفرغی لرستان، در کتاب مفرغ‌های لرستان جلد اول، گردآورنده سید فرید قاسمی، خرم‌آباد: انتشارات پیغام: ۱۰۵-۱۲۸.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۷۵)، آتشدان‌های مفرغی لرستان، در کتاب مفرغ‌های لرستان جلد اول، گردآورنده سید فرید قاسمی، خرم‌آباد: انتشارات پیغام: ۱۰۰-۱۰۴.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۷)، «تاریخچه پیدایش فن تولید آهن و کاربرد آن در ایران»، پژوهش‌های تاریخی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، سال ۲، شماره ۳: ۱۹۹-۱۷۷.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۴)، تأثیر کاربرد ساخته‌های آهنی در پیشرفت فناوری و تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع عصر آهن پایانی (با تأکید بر غرب و شمال غرب ایران)، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۱: ۲۲۶-۲۲۷.
- موری، پی. آر. اس (۱۳۷۹)، زیرخاکی‌های مفرغی قدیم ایران، مترجم: علی داراب بیگی، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- واندنبرگ، لونی (۱۳۴۵)، باستان‌شناسی ایران باستان، مترجم: دکتر عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نگهبان، عزت‌ا... (۱۳۷۸)، حفاری‌های مارلیک جلد اول، تهران: انتشارات میراث فرهنگی کشور (پژوهشکده).
- هژبری نوبری، علیرضا و سبزی دوآبی، موسی (۱۳۹۰) سنجاق‌های میله‌ای لرستان، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، شماره ۲: ۱۶۵-۱۸۸.

- Burney, C. (1972). "Excavations at Haftavān Tepe 1969: Second Preliminary Report." *Iran* 10, no. 1, 127-142.
- Contenau, G, R, Ghirshman, and H, V, Vallois. (1935). *Fouilles du Tépé-Giyan près de Néhavend, 1931 et 1932*. Vol. 3. P. Geuthner.
- Danti, Michael D and Megan Cifarelli. (2015). "Iron II Warrior Burials at Hasanlu Tepe, Iran." *Iranica Antiqua* 50, 61-157.
- Danti, . (2013). "The late Bronze and early Iron age in northwestern Iran." in *oxford Hand book of Ancient Iran*, ed. by D. T. Potts, oxford University Press: 327-376
- David, N, Carol Kramer. (2001). *Ethnoarchaeology in action*. Cambridge University Press.
- Goff, Clare. (1978). "Excavations at Baba Jan: the pottery and metal from levels III and II." *Iran* 16, no. 1, 29-65.
- Hiebert, F, T., and R, H. Jr Dyson. (2005). "Prehistoric Nishapur and the frontier between Central Asia and Iran." *Iranica Antiqua* 37, 113-149.
- Hood, S. (1994). *The arts in prehistoric Greece*. Vol. 40. Yale University Press.
- Jacobsthal, P. (1956). *Greek pins and their connexions with Europe and Asia*. Vol. 3. Clarendon Press.
- Marcus, M. (1994). "Dressed to kill: Women and pins in early Iran." *Oxford Art Journal* 17, no. 2, 3-15
- Muscarella, O, W. (1968). "Excavations at Dinkha Tepe, 1966." *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art* 27, no. 3, 187-96.
- Muscarella, O, W. (1974). "The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran." *Metropolitan Museum Journal* 9, 35-90.
- Muscarella, O, W. (1988). *Bronze and iron: ancient Near Eastern artifacts in the Metropolitan Museum of Art*. Metropolitan Museum of Art.
- Schmidt, E, F, Maurits Nanning van Loon, and Hans H. Curvers. (1989). *The Holmes Expeditions to Luristan*. No. 108. Oriental Institute of the University of Chicago.
- Paszthory, E. (1989). "Electricity generation or magic? The analysis of an unusual group of finds from Mesopotamia." *MASCA Research Papers in Science and Archaeology* 6, 31-38.
- Pigott, V.C. (1977). "The Question of the Presence of Iron in the Iron I Period in Western Iran", in "**Mountains and lowland**", ed, L.D.Levine and T.C.Young, Malbu-California, 209-234

- Rashid, S, A. (1992). "Gründungsfiguren im Iraq." *Praehistorische Zeitschrift* 67, no. 1, 247-247.
- Van den Berghe, L. (1964). *La nécropole de Khurvin*. Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut in het Nabije Oosten.
- Yildirim, Recep. (1989). *Urartu igneleri*. Turk Tarih Kurumu Basimevi.
- The Metropolitan Museum of Art(April2019) From:
<https://www.metmuseum.org/pin>
- Museum of Fine Arts, Boston(April2019) From:
https://www.mfa.org/collections/object/rosette_pin